مطالب

[یاد خدا 1](#_Toc428184244)

[غفلت از یاد خدا 2](#_Toc428184245)

[نشانه فرمانبری از خداوند 2](#_Toc428184246)

[ذکر قلبی همراه ذکر لسانی 3](#_Toc428184247)

[مشغولیت به آخرت 4](#_Toc428184248)

[پاک کردن ظلمات از دل 4](#_Toc428184249)

[انواع ذکر 5](#_Toc428184250)

[عدم محدودیت ذکر خدا 5](#_Toc428184251)

[توصیه به یاد خدا 5](#_Toc428184252)

[عید دوازدهم فروردین 7](#_Toc428184253)

[مقایسه خودمان با اهل کوفه 8](#_Toc428184254)

[توضیح پیام نوروزی رهبر انقلاب 8](#_Toc428184255)

[اصل صرفه جویی 8](#_Toc428184256)

[فعالیت جدی رییس جمهور در کشور 10](#_Toc428184257)

[مسئله گرانی قیمت بنزین و گازوئیل 10](#_Toc428184258)

[دعا 11](#_Toc428184259)

 یاد خداـ انقلاب اسلامی ـ صرفه‌جویی

نماز جمعه شهرستان میبد حاج‌آقای اعرافی (18/1/74)

خطبه اول

**«بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آ له الاطیبین الاطهرین سیما بقیه‌الله فی الارضین»**

**«بسم الله الرحمن الرحیم یا ای‌ها الذین آمنوا...»**

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را سفارش، دعوت و یادآوری به تقوای الهی، ذکر و یاد خداوند، شکر و سپاس بر نعمت‌های الهی، صبر در مصیبت‌ها و سختی‌ها، دوری از گناهان و معصیت‌ها، اطاعت از دستورات الهی و امربه‌معروف و نهی از منکر سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا! به‌حق و برکات این روز عزیز و قداست اولیای الهی قسمت می‌دهیم که به همه ما توفیق ذکر و یاد خودت و بندگی خودت عنایت بفرما.

## یاد خدا

 دریکی از خطبه‌های گذشته چندجمله‌ای و بحث کوتاهی درباره ذکر خداوند و یاد الهی صحبت کردیم و گفته شد که ذکر و یاد خداوند در هر دوعالم منشأ خیرات، برکات و آرامش انسان است. هم در این عالم اگر انسان ذاکر خداوند شد و ذکر و یاد خدا بر دل انسان حاکم بود، در همین دنیا انسان آرام است، مصون است و آسایش روحی و روانی دارد و از سختی‌ها و رنج‌ها آزاد می‌شود. انسانی که به یاد خداوند باشد و یاد خدا بر او حاکم باشد و از غم و رنج این عالم آزاد می‌شود، هم ذکر خدا و یاد خداوند در عالم پس‌ازاین عالم و در جهان ماوراء این عالم طبیعت آثار و برکات زیادی دارد و منشأ سعادت، خیر، رستگاری و... و فوز انسان می‌شود و از همین جهت است که حقیقت همه عبادات و روح عبادت‌ها همان یاد خداست. یاد خدا چیزی در کنار و مقابل عبادت‌های دیگر نیست؛ نه یاد خدا روح عبادت‌هاست، جان هر عبادتی، هر جماعتی، هر نمازی، هرروزه‌ای و حج و امثال این‌ها است، روح همه این‌ها ذکر و یاد خداست، **«الا بذکرالله تطمئن القلوب»[[1]](#footnote-1)،** «**وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تَصْنَعُون»[[2]](#footnote-2)‏.** ذکر خدا بالاتر از همه‌چیز است؛ اگر انسان‌ها بدانند در همین دنیا، شفای دردها و رنج‌های بشریت، همان یاد و ذکر خداوند است و آثار و برکات برای ذکر و یاد خدا غیر از اصل قضیه که همان آرامش روح انسان، قرب الهی و سعادت آخرت باشد، آثار دیگری هم دارد که دریکی از خطبه‌های گذشته بیان شد.

گفتیم در همان خطبه، یاد خدا هم در سرّ و حال خطا ارزش مخصوصی دارد و هم در میان جمع برایش آثار و برکات خاصی هست. بعضی از روایاتش را آن‌وقت خواندیم. در این بخش از خطبه، چند نکته، مطلب و روایت بسیار زیبا و جالب در ذکر و یاد خدا هست که ان‌شاءالله در این لحظات و فرصتی که داریم آن‌ها را می‌خوانیم.

### غفلت از یاد خدا

در مقابل ذکر و یاد خدا، غفلت از خداوند و فراموشی خدا و نعمت‌های الهی است. غفلت و نسیان خداوند و نعمت‌های الهی درست مقابل یاد خداست و منشأ شقاوت و خسارت انسان می‌شود. اصل همه اطاعت‌ها، بندگی‌ها و عبادت‌ها یاد و ذکر خداوند است، اصل و اساس هر انحراف، کج رفتن، ضلالت و گمراهی هم غفلت از خدا و نعمت‌های الهی است. در روایت شریفه‌ای که در مصباح الشریعه از امام صادق (ع) نقل‌شده، این مطلب آمده است و روایتی طولانی درباره ذکر خدا است. من چند جمله از این روایت را می‌خوانم. طبق آنچه در مصباح الشریعه از امام صادق **(ع)** آمده، حضرت این‌طور فرمودند: «**مَنْ‏ كَانَ‏ ذَاكِراً لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ وَ مَنْ‏ كَانَ‏ غَافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عَاصٍ وَ الطَّاعَةُ عَلَامَةُ الْهِدَايَةِ وَ الْمَعْصِيَةُ عَلَامَةُ الضَّلَالَةِ وَ أَصْلُهُمَا مِنَ الذِّكْرِ وَ الْغَفْلَة»[[3]](#footnote-3).** این، همین اصل است و نکته‌ای است که عرض کردم؛ اساس اطاعت خدا، بندگی، عبودیت و عبادت خداوند، یاد خدا است. قلب، زنده به یاد خدا است. اساس، مبنا، ریشه و سرچشمه هر گناه، معصیت و ضلالتی هم غفلت از خداوند و نعمت‌های الهی است. می‌فرمایند: هر کس به‌راستی به یاد خداوند و ذاکر خدا باشد، یعنی حقیقتاً ذاکر خدا باشد. گفتیم: ذکر خدا چند مرحله دارد؛ یک مرحله‌اش این است که به زبان **«لا اله الا الله»** بگوییم، به زبان یاد خدا کنیم، به زبان صلوات بفرستیم، ولی مرتبه بالاترش این است که فکر ما هم به یاد خدا باشد، از مرتبه فکر هم بالاتر این‌که قلب، منور به نور یاد و ذکر خدا باشد.

## نشانه فرمانبری از خداوند

حال امام صادق (ع)، در این حدیث شریف این‌طور می‌فرمایند: **«مَنْ‏ كَانَ‏ ذَاكِراً لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ**»**[[4]](#footnote-4)**؛ می‌خواهید بدانید که آیا مطیع خداوند و فرمان‌بر خدا هستید یا نیستید؛ علامت، نشانه و پایه‌اش این است؛ هر کس حقیقتاً ذاکر خدا باشد، دینش به لقلقه زبان نباشد و یاد خدا آن‌طور لقلقه زبانی که حتی لشکر عمر سعد هم در روز عاشورا مقابل امام حسین (ع) داشتند، نه دینی و ذکری که در قلب باشد بلکه لقلقه زبان است و موج و جوی در جامعه است که هماهنگ است. او هم می‌گوید: من همراه اسلام هستم، این آن اسلام، دین و یاد خدایی نیست که وقتی جامعه به‌طرف دیگر می‌رود، بازبایستد، این یاد حقیقی خدا نمی‌شود و اطاعت واقعی خدا نیست، طوری که وقتی موج در خلافش می‌آید، باز هم زنده باشد. همراه شدن با این موج، ارزشی ندارد. البته ممکن است موج حق باشد که انسان باید همراهش باشد؛ ولی دین، ایمان و ذکر خدا باید آن‌طور قوی باشد که اگر موج عوض شد، باز ایستد. شما دیده‌اید که در آب یا در دریا، اگر ماهی در نهری یا رود آبی یا رودخانه‌ای مرده باشد، این ماهی همراه جریان آب است، او دیگر نمی‌تواند مقابل و خلاف جهت آب حرکت کند. ماهی مرده که حیات ندارد، هر طور آب جریان دارد همان‌طور او هم می‌رود و چیزی نمی‌فهمد؛ چون حیاتی ندارد. اما اگر ماهی زنده باشد، طوری که آب رودخانه به‌سرعت هم دارد به یک طرف می‌آید؛ اما او آرام در داخل آب رو به سرچشمه می‌رود چرا برای این‌که زنده است قوت دارد حیات دارد این خصوصیت حیات است ما اگر دینمان و ذکر و یاد خدا در دل ما نباشد اگر یاد خدا در حقیقتش و در آن مرحله زمانی نه آن مرحله فکری و بالاترش مرحله قلبی و روح انسان اگر منور به این یاد خدا نباشد ما ماهیان مرده‌ایم که‌موج عالم و اجتماع ما را می‌برد جوانی که دلش به این نور ایمان و یاد خدا منور نشده موج دوستان و رفیقان و همسایگان و همکلاسان و این‌ها او را می‌برد و اگر روزی هم این موج، موج باطلی بود موج منکری بود موج فسادی بود او هم همراه این موج مثل ماهی مرده این روز و جریان آب او را می‌برد کی ما زنده می‌شویم کی آن حیاتی که در ماهی بود آن حیات طبیعی کی ما آن حیات معنوی، آن حیات طیبه و آن روح باصلابت ایمان پیدا می‌کنیم که می‌توانیم در خلاف جریان فساد و منکر حرکت بکنیم بر غفلت‌ها پیروز بشویم مطیع خدا بشویم فرمان‌بر خدا بشویم بر هواهای نفس و شهواتمان غالب بیاییم کی وقتی‌که ماهی زنده بشویم زندگی روح ما به ذکر و یاد خداست به ذکر و یاد خداست، اگر دل این‌جور بود آن‌وقت اطاعت خدا می‌آید، اگر موج جامعه همراه خیر، صلاح و اسلام است، او هم باایمان قوی همراه است و شک و شبهه‌ها هم در او اثر نمی‌کند و اگر هم روزی خدایی ناکرده، موجی برخلاف اسلام جریان یافت او مثل سد پولادین می‌ایستد و مثل یک موجود زنده و پرنشاط در برابر این موج مقاومت می‌کند و به وظیفه خودش عمل می‌کند. حال دیگر این مراتب دارد تا می‌رسد به این قوت، ذکر و یاد خدا به آن درجه امام حسین (ع) و اصحاب امام حسین که شب عاشورا را به ذکر گذراندند، آن ذکر واقعی بود، آن ذکری بود که از زبان گذشته بود و از فکر و عقل هم گذشته بود و به اعماق قلب و روح آن‌ها نفوذ کرده بود، این ذکر واقعی است. آن‌وقت هم که سی هزار، هشتاد هزار، صد و بیست هزار و همه دنیا هم مقابل آن‌ها بودند؛ اما آن‌ها قرص و قاطع و راست‌قامت برای خدا ایستادند و به شهادت رسیدند. این ذکر واقعی است که انسان را زنده می‌کند، حیات می‌دهد، امیدوار می‌کند، آرامش می‌بخشد و مطمئن می‌کند و آرام به وظایف خودش عمل می‌کند، این خیلی ارزش دارد.

 بازهم عرض می‌کنم این ذکر، زندگی دنیای انسان را هم آرام می‌کند **«من کان ذاکراً لله علی...»** این توضیحی که دادم مضمون و روح این جمله و فراز نورانی مولایمان و اماممان حضرت صادق **(ع)** است که کسی که به حقیقت یاد خدا باشد و این یاد در قلب او نافذ باشد، او واقعاً مطیع خداست و توانایی اطاعت الهی و مقاومت در برابر موج‌های مخرب شهوات و فسادها را می‌تواند داشته باشد. این ذکر و این یاد و این ایمان است که جوان را پرنشاط و پر ایمان می‌کند که‌موج‌های شهوات، فساد و فحشاء او را نمی‌برد، **«و من کان غافلاً...»** همان‌طور که عرض کردم، ذکر خدا و غفلت دو اصل و اساس است. کسی که در غفلت‌ها غوطه‌ور باشد، گناهکار است، او ماهی مرده است، او حیات معنوی ندارد و این غفلت هم اساس معصیت‌هاست، **«و الطاعة علامة...»** و بعد حضرت می‌فرمایند: **«و اصلهما من الذکر...»** این همان قانون روح انسان است. اصل این هدایت و ضلالت و اصل اطاعت و معصیت همان یاد و غفلت از خداست، بکوشید که قلبتان را به یاد خدا منور کنید.

### ذکر قلبی همراه ذکر لسانی

 سپس در ادامه این فراز زیبای امام صادق **(ع)** در مصباح الشریعه را دارد که **«فَاجْعَلْ قَلْبَكَ قِبْلَةً لِلِسَانِكَ لَا تُحَرِّكْهُ إِلَّا بِإِشَارَةِ الْقَلْبِ»**[[5]](#footnote-5)**،** قلبت را پیشاپیش زبانت قرار بده و زبانت را به دنبال قلب خودت به حرکت دربیاور؛ یعنی ذکر بی‌پایه و ذکری که همراه با آن ذکر و یاد قلبی نباشد را انتخاب نکن. زبان ذاکرت را با قلبت همراه کن، پیشاپیش قلب را زنده کن پیشاپیش قلبت را هوشیار و یادآور خداوند کن، زبان را به دنبال قلب به حرکت دربیاور و اینطورحرکت کن **«لاتحرک الا باشارة القلب»،** زبانت را مگر به اشاره قلبت به حرکت درنیاور اگر به ذکر **«لا اله الا لله»** و اذکار دیگر و قرائت قرآن می‌پردازی، همه این‌ها ذکر است، قرائت قرآن و دعا، همه این‌ها ذکر خداست و معنای عامی دارد که ذکر خدا همه این‌ها را می‌گیرد. این‌ها را بدون اشاره قلبت به حرکت در نیاور. اول یک جهشی، یک بیداری و یک هوشیاری در قلبت بیافرین، آنگاه زبانت را به حرکت در آور.

 «**فان الله عالم بسّرک و جهرک**»[[6]](#footnote-6) بعد از چند فراز دیگر حضرت می‌فرماید: بدان و آگاه باش که خدا بر آشکار و نهان تو و بر ظاهر و باطن تو آگاه است، مبادا غفلت تو را بگیرد و فکر کنی در محضر خدا نیستی یا خدا تو را مراقبت نمی‌کند. خدا بر همه وجود تو، سرّ و علن تو، ظاهر و باطن تو و آشکار و نهان تو آگاه و خبیر است «**و كُنْ كَالنَّازِعِ رُوحُهُ أَوْ كَالْوَاقِفِ فِي الْعَرْضِ الْأَكْبَرِ»**[[7]](#footnote-7) می‌خواهی خوب این ذکر را در قلبت متجلی کنی، باید حال تو وقت ذکر و یاد خدا و عبادت مثل کسی باشد که دارد جان می‌دهد، مثل انسان محتضری که به زودی همه این عالم طبیعت را به پشت سر خواهد گذاشت و حصار طبیعت را خواهد شکست و همه آنچه که در دنیا جمع کرده بود جز عملش و آثارش همه را خواهد گذاشت و چنین حالی پیدا کن و ذکر و یاد خدا کن. حال کسی که مشرف بر آخرت است و در حال رها کردن عالم طبیعت است یا مثل کسی که در قیامت ایستاده، برحسب درجه ایمان است، ما که از این حالات دور هستیم، من خودم را عرض می‌کنم، اگر انسان مقداری بیاید جلو، حال احتضار همیشه باید همراه و در یاد و ذاکره انسان باشد. اگر کسی از نظر ایمان و مراتب عرفان قوی تر باشد، حال قیامت را باید برای خود مجسم کند که این برحسب مراتب عرفان و معرفت انسان‌هاست تا حال احتضار را درک کند و مجسم کند یا بالاتر، حال قیامت و محشر بزرگ قیامت و آن عقبات و آن مسائلی که در قیامت است یا مثل محتضر خود را فرض کند یا مثل کسی که در صحرای قیامت محشور شده است.

### مشغولیت به آخرت

 **«**غَيْرَ شَاغِلٍ‏ نَفْسَكَ‏ عَمَّا عَنَاك‏**»[[8]](#footnote-8)** به هوش و بکوش که خودت را جز به آنچه که به سود توست، خود را مشغول نکنی و جز آنچه که به نفع توست و به سود آخرت توست خود را مشغول نکنی، خیلی هوشیار باش و بکوش هر قدمی و هر گامی و هر نفسی که برمی‌داری و می‌کشی در مسیر رضایت خدا باشد.

### پاک کردن ظلمات از دل

 «**وَ اغْسِلْ قَلْبَكَ بِمَاءِ الْحُزْنِ وَ الْخَوْفِ وَ اجْعَلْ ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَجْلِ ذِكْرِهِ تَعَالَى**»[[9]](#footnote-9) دلت، کدورت‌های دلت، ظلمت‌های دلت و تعفن‌های قلبت را با آب اندوه بشوی و پاک کن، اندوه بر عالم آخرت و برگناه و اشک تأثر بر آن همه گناه، این قلب تو را پاک می‌کند. قلبت را با آب اشک، آه، ناله، اندوه، سوز و گداز پاک و تطهیر کن و یاد خدا باش و بدان که در مقابل یاد خداوند، خدا به یاد توست و یاد خدا نسبت به تو از هر چیزی بالاتر است.

### انواع ذکر

 «**الذِّكْرُ ذِكْرَانِ ذِكْرٌ خَالِصٌ بِمُوَافَقَةِ الْقَلْبِ وَ ذِكْرٌ صَارِفٌ لَكَ بِنَفْيِ ذِكْرِ غَيْرِهِ**»[[10]](#footnote-10) یاد خدا که حقیقت ایمان و روح همه عبادت‌ها و بندگی‌های خداست دو نوع است؛ یکی یادی که در مرتبه اعلی است که انسان محو در یاد خداست؛ یک یادی هم هست که انسان سعی می‌کند با یاد خدا چیزهای دیگر را از قلب دور کند، این مقدمه است برای آن یاد نهایی، آرمانی و اعلی. خداوند به همه ما توفیق این یاد و ذکر خودش را بدهد.

 در روایت دیگری هم هست که حالا چون من فرصت نشد این روایت شریف را خواندم آن روایت هم را اشاره‌ای بهش می‌کنم در همین بحث ذکر و یاد خداست. نکاتی می‌ماند که انشاءالله در جلسه دیگر عرض می‌کنم. در یک روایت دیگری که روایت معتبره ای هم هست و در اصول کافی مرحوم کلینی رضوان الله تعالی علیه نقل فرمودند. باز در این روایت هم ابن قداّح از امام صادق **(ع)** نقل می‌کند که حضرت می‌فرمایند: **«مَا مِنْ‏ شَيْ‏ءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي‏ إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرَ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْه»‏[[11]](#footnote-11)** هر چیزی پایانی دارد جز یاد خدا. بعد حضرت می‌فرمایند: نماز، حج، زکات، جهاد و روزه این‌ها همه یاد خداست؛ اما یاد خدا در این‌ها با حد معینی است. انسان نماز در چند وقت می‌خواند و مستحباتش هم یک مقداری است، حج باز شرایط، حدود و مقررات خودش را دارد و خدا برای همه آن‌ها حدی قرار داده؛ اما برای ذکر خودش و یاد خودش که حقیقت همه این‌ها همان ذکر هست، برای آن حدی قرار نداده است.

### عدم محدودیت ذکر خدا

 **«فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدّاً يَنْتَهِي إِلَيْه**»[[12]](#footnote-12)‏ خداوند برای ذکر خودش و یاد خودش حدی قرار نداده و هر چه انسان در مدارج ذکر و یاد خدا سیر کند باز هم درجه بالاتری وجود دارد باز هم باید بر غفلت‌های دیگری که برقلب آدمی عارض می‌شود و ما دائم در معرض این غفلت‌ها و غفلت زدگی‌ها هستیم و باید خود را از این غفلت‌ها آزاد کنیم و بعد امام صادق **(ع)** این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: **«یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً و سبحّوه بکرتاً و اصیلا»[[13]](#footnote-13)** ای مؤمنان، ای ایمان آورنده‌ها یاد خدا بکنید یاد زیاد وبه کم قناعت نکنید این یاد شما هر چقدر برای شما زیاد باشد در مقابل آن عظمت خدا کم است زیاد یاد خدا بکنید و در صبحگاهان و شامگاهان خدا را تسبیح کنید.

### توصیه به یاد خدا

 بعد امام صادق (**ع)** از زندگی پدرشان نقل می‌کنند می‌فرمایند: **«و کان ابی کثیر الذکر»[[14]](#footnote-14)** پدرم امام باقر **(ع)**، امام صادق (ع) سنت پدرشان را نقل می‌کنند: پدرم کثیرالذکر بود، همواره به یاد خداوند بود. چنان بودم که هر گاه با او راه می‌رفتم در راه رفتن او به یاد خداوند بود، در غذا خوردن هر گاه که با او بودم احساس می‌کردم که به یاد خداست و هر گاه که با مردم هم سخن می‌گفت احساس می‌کردم که دل او به یاد خداست **«وانه لیذکر الله»[[15]](#footnote-15)** در همه این حالات **«ولقد کان یحدث القوم و ما یشغله ذلک عن ذکر الله»[[16]](#footnote-16)** او در حال سخن گفتن و ارتباط با مردم هم از ذکر خدا به غیر مشغول نمی‌شد، در حرف زدنش هم یاد خدا متجلی بود. اگر انسان دلش را بسازد و پاک کند، حرکاتش هم یاد خدا می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: پدر من چنین بود و همواره زبانش به یاد خدا و به گفتن لا اله الاالله گویا بود **«و کان یجمعنا فیأمرنا بالذکر»[[17]](#footnote-17)** این نکته تربیتی مهمی است، گاهی چنین بود که اهل خانه زن و فرزندان را جمع می‌کرد و ما را توصیه به یاد خدا می‌کرد. در محیط خانه او پدری بود که همه را به یاد خدا می‌انداخت. فرزندانش را جمع می‌کرد **«وکان یجمعنا»** اینطور بود؛ یعنی برنامه خانه و تربیت خانوادگی‌اش این بود که فرزندانش را جمع می‌کرد. امام صادق (**ع)** می‌فرماید: ماها را جمع می‌کرد و ما را مأمور به یاد خدا می‌کرد. ما چقدر به این نکات تربیت خانوادگی توجه داریم اصلاً خودمان اهل ذکر و یاد هستیم تا برسد به آنجا که بچه‌هایمان، زن و فرزندمان را جمع بکنیم، گاهی در روز یک بار، در هفته یک بار، در ماه یک بار و صحبتی از یاد خدا و از دستورات خدا و از مقررات الهی بکنیم.

 امام صادق می‌فرماید: و ما را مأمور می‌کرد به یاد خداوند و به قرائت قرآن و بعد می‌فرماید: **«و البیت الذی یقرأ فیه القرآن و یذکرالله عزّوجلّ فی تکثر برکته و تحضره الملائکه و تهجره الشیاطین»[[18]](#footnote-18)** خوب دقت کنید خانه ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و یاد خدا می‌شود، آن خانه مأمور به یاد خدا و قرآن کریم، برکتش زیاد می‌شود و ملائکه در آن خانه حاضر می‌شوند و شیاطین آن خانه را ترک می‌کنند و خانه مأمور به یاد خداوند در آسمان‌ها می‌درخشد، **«يُضِي‏ءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يُضِي‏ءُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ لِأَهْلِ الْأَرْض»[[19]](#footnote-19)**‏خانه ای که صبحگاهان و شامگاهان در آن قرآن خوانده می‌شود و فرزندان آن خانه به یاد و ذکر خدا هستند، آن خانه در آسمان‌ها و ملأ اعلی مانند ستاره ای درخشان برای ملائکه و اهل آسمان‌ها می‌درخشد. این خانه، خانه برکت است. این خانه، خانه خیر و سعادت است نه آن خانه ای که یاد خدا در آن نیست و هفته‌ها و ماه‌ها برآن می‌گذرد و از قرائت قرآن در آن خانه خبری نیست و فرزندان و کودکان آن خانه بیگانه از قرآن و یاد خدا هستند. این را دقت کنید خانه مان را به یاد خدا و به قرآن و به آشنایی با دستورات و احکام اسلام نورانی کنیم که در ملأ اعلی می‌درخشد و خیر و برکت آن خانه زیاد می‌شود

 **«و البیت الذی لا یقرأ فیه القرآن و لا یذکرالله فی تقل برکته»[[20]](#footnote-20)** خانه‌ای که اهل آن خانه غافل‌اند پدر به کار خودش، مادر به کار خودش و به یاد قرآن و دستورات خدا نیستند و دنبال تربیت فرزندان ذاکر خدا و صالح نیستند و قرآن در آن خانه خوانده نمی‌شود و یاد خدا در آن خانه احیاء نمی‌شود آن خانه بی برکت است آن خانه ملائکه آن خانه را رها می‌کنند و جایگاه شیاطین می‌شود.

 ما از این روایت می‌فهمیم که هم خودمان باید ذاکر خدا باشیم، هم ذکر خدا را در خانه‌های خودمان باید احیاء کنیم و شما می دانید اگر پایه خانه شما و تربیت فرزندانتان بر ذکر و یاد خدا ریخته بشود و روح و روان فرزندان جامعه با یاد خدا عجین بشود، آینده آن جامعه هم آینده خیر است. این روایت درباره خانه فرمود؛ ولی ملاکش در مورد جامعه هم هست آن شهر و آن محله و آن کوچه ای که خانه‌های آن به ذکر خدا آباد باشد و صبح‌ها در آن قرآن خوانده شود، فرزندانشان با روحیه ایمان و معنویت و قرآن تربیت شوند آن شهر، آن محله، آن کوچه، مثل آن خانه دارای برکات و خیرات می‌شود. ما خانه‌مان، فرزندانمان و شهر و دیارمان را باید با شعار اسلام وذکر خدا ویاد خدا منور کنیم.

امیدواریم که خداوند به همه ما توفیق ذکر و ذاکریت واقعی خودش و وصول به آن شیرینی‌ها و لذت‌های یاد خودش عنایت بفرماید.

**«بسم الله الرحمن الرحیم انا اعطیناک الکوثر...»**

خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[21]](#footnote-21)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به تقوای خداوند و ذکر و یاد خداوند که اساس و پایه هر اطاعت و هدایتی است سفارش و دعوت می‌کنم. از خداوند می‌خواهیم که به برکت روز جمعه و به قداست اولیای الهی و خون شهدای اسلام به همه ما توفیق ذکر و یاد خودش و عمل به وظایفمان را عنایت بفرماید.

## عید دوازدهم فروردین

فردا روز دوازدهم فروردین است و سالروز تشکیل نظام اسلامی و جمهوری اسلامی، این عید بزرگ که امام درباره آن، آن تعبیرات بسیار زیبا و عالی را داشتند و روز اسلام دانستند و این روز را روز رسمیت اسلام در این عصر جاهلیت و در عصر ضدّیت ها با اسلام دانستند و بسیار امام تجلیل فرمودند و از اعیاد ما و از ایام الله بزرگ دانستند. این عید بزرگ و روز جمهوری اسلامی را به حضور همه شما برادران و خواهران نماز گزار و مقام معظم رهبری و حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و اهمیت آن را باز یادآوری می‌کنم که علیرغم خواسته دشمنان اسلام و بسیج همه نیروهای کفر که تا همین امروز هم برای شکستن نظام اسلامی و نظامی که زیر پرچم اسلام است، ادامه دارد و در طول تاریخ کم سابقه است و با خون شهداء به دست آمده. ما روز دوازدهم فروردین را که روز رسمیت این نظام است، باید گرامی بداریم و باز هم تأکید می‌کنم بر حساسیت وظایف ما در دشمنی دشمن‌ها و نقشه‌های شیطانی که طراحی شده و الآن هم می‌شود برای درهم شکستن شکوه اسلام و نظام اسلامی ما به همه این‌ها باید متوجه باشیم.

 مبادا که با وسوسه وسوسه کننده‌ها و خناس ها و افراد بیگانه از روح ایمان و ولایت دل‌های ما از اعتماد به اسلام و نظام الهی و مقام رهبری کم بشود و خدایی ناکرده آزمون ما مانند آزمون اهل کوفه بشود این دشواری، برای ما امتحان است؛ البته باید آن ایمان، آن صلابت، آن توجه به خدا، آن ذکر الهی چنان در قلب ما باشد که در همه سختی‌ها و دشواری‌ها از اسلام، از ایمانمان و از ولایت که اساس اسلام و ایمان است، دفاع کنیم. مبادا درگیر و دار سختی‌ها و دشواری‌ها بسیجیان ما، حزب الله ما، نیروهای فداکار ما، ایثار گران ما و امت بزرگ و مقاوم اسلامی خود را ببازد، کوتاه بیاید و دل دشمنان اسلام شاد بشود. مطمئن باشید ما با همه مشکلاتی که داریم این ودیعه خدا در دست ماست و باید با همه سختی‌ها از این ودیعه الهی حفاظت کنیم و مبادا که شایعه‌ها، سخنان ناروا، حرفهای بیجا و مشکلات این ملت بزرگ، این ملت مقاوم، این ملت رشید، این ملت فداکار، این ملتی که امام به این ملت افتخار می‌کرد، ما آن عظمت‌ها را از دست بدهیم و با عاقبت خوبی سرانجاممان نرسد.

### مقایسه خودمان با اهل کوفه

 باید به هوش باشیم، ما ملتی بودیم که امام و رهبرمان آن طور به این ملت افتخار می‌کرد و آن را با اهل کوفه مقایسه کنید و خطبه‌های نهج البلاغه را ببینید که مولا می‌فرماید: **«لقد سعمت عتابکم»** امیرالمؤمنین (ع**)** می‌فرماید که: من دیگر سیر شدم از این مردم، من این مردم را نمی‌خواهم. با آن صبر و بردباری این جور امیرالمؤمنین (**ع)** شکوه و گلایه می‌کرد از مردم و این ملت در آن شرایط انقلاب، در سختی‌های جنگ، در دشواری‌های اقتصادی، در دادن آن همه فرزندان رشید در راه مبارک و نورانی برای اسلام آن طور امتحان داد که امام آن گواهی و آن شهادت را درباره آن‌ها داد و امام به این ملت افتخار می‌کرد، این افتخار بزرگی است. جوانهای ما، ملت ما، زنان و مردان فداکار و شجاع این ملت باز هم راه را گم نکنند و از خدا توفیق بخواهیم که به ما قوت و صلابت ادامه راه شهداء و پیش بردن این نظام عنایت بفرماید.

## توضیح پیام نوروزی رهبر انقلاب

 نکته دومی که باید اینجا عرض بکنم مطالبی است که مقام معظم رهبری در پیام نوروزی‌شان فرمودند و آن هفته فرصت نشد که من لازم است این جا یادآوری بکنم و تأکیدی بر آن رهنمودهای مقام معظم رهبری بشود. مقام معظم رهبری سال گذشته را سال نظم و انضباط اجتماعی معرفی فرمودند و امسال را سال انضباط و نظم همراه با صرفه جویی و توجه به مشکلات اقتصادی معرفی کردند و واقعاً این برای ما یک اصل اسلامی است. من در یک خطبه و یا یکی دو خطبه قبل هم در بعضی از قسمت‌ها اشاره ای به این قضیه کردم، واقعاً وقتی به حساب آخرت یک ملتی نگاه کنیم می‌بینیم که دین ما دین اقتصاد و صرفه جویی است، دین اسراف نکردن است، تبذیر نکردن است، خرج‌های بیجا نکردن است و رعایت اعتدال است. زندگی دنیایمان هم نیاز به این دارد. ما اگر در دنیا هم بخواهیم جلو برویم باید اینطور حرکت کنیم و با صرفه جویی کشور را جلو ببریم و در برنامه‌های فردی و برنامه‌های اجتماعی مان سعی مان بر این باشد که رعایت این صرفه جویی وحفظ معیارها و اعتدال در هزینه‌ها را باید کرد؛ هم در ادارات؛ هم در بخشهای خصوصی و از آن خرج‌های بیجایی که گاهی می‌شود باید ممانعت کرد و جلویش را گرفت و جامعه را از آن بیهوده کاری حفظ کرد. در بخش خصوصی برای افرادی که تمکن دارند واقعاً توجه به این نکته بسیار مهم است. حالا در این محیط‌ها شاید کمتر باشد. گاهی انسان می‌شنود در مسافر خانه‌ها و در بعضی هتل‌ها افرادی می‌روند که در شهرهای دیگر عرض می‌کنم که گاهی دور ریخته‌های غذایشان می‌تواند چند خانواده را سیر کند و اطعام کند. واقعاً روز قیامت امکان ندارد که کسی بتواند جواب بدهد از این که در مصرف غذا در خانه‌اش یا در مهمانی‌اش آن طور اسراف کند و دیگران گرسنه بخوابند آن‌هایی که تمکنی دارند به این نکته باید توجه داشته باشند. البته این برای همه است.

### اصل صرفه جویی

 رعایت صرفه جویی و اقتصاد ما برای رشد تولید در کشورمان است. پیشرفت اقتصادی هم اصل مهمی است. هر کشوری در دنیا اگر شروع کرد به رشد و توسعه اقتصادی‌اش از راه صرفه جویی شروع کرد. متأسفانه در کشور ما بعد از جنگ، این شعار را اصل قرار ندادیم و اگر بخواهد این پیشرفتهای اقتصادی باشد، باید با صرفه جویی و اقتصاد باشد. در سال گذشته در طول برنامه اول حتی این را رادیوهای خارجی هم گفتند، آن کسانی که با ما دشمنی هم دارند گفتند که صادرات غیر نفتی کشور ما اسیر نفت بودیم و نفت ما را به سوبسیدها و اقتصاد خراب عادت داده بود و کاری که از زمان نظام طاغوتی باید تعبیر اقتصادی و پایه ریزی اقتصاد شروع بشود که آن‌ها به خاطر این که جرأت نداشتند و می‌خواستند یک جوری در دهان مردم بگذارند، مرتب نفت مردم را استخراج کردند و البته سوبسید دادند و نتیجه‌اش هم این است که این فشارها برای ما باقی مانده است. اگر ما مثل بسیاری از کشورهای دیگر که از اول بنا را بر تولید می‌گذاشتیم، خوردن از راه تولید و از راه رعایت صرفه جویی می‌گذاشتیم، الآن خیلی جلوتر بودیم. اگر همان زمانی که امیرکبیر بنای این اقتصاد اینطوری را گذاشت، مردم فریب نخورده بودند و مستبدان او را شکست نداده بودند و علیه او آن شایعه‌ها را پدید نیاورده بودند ما امروز این جور اسیر نفس نبودیم که دنیا با قیمت نفت با سرنوشت ما بازی کند. ما باید از نفت آزاد شویم و بر تولید واقتصاد سالم تکیه کنیم. عزت کشور ما در گرو این است. فرصت توضیح بیشتر در این زمینه نیست؛ ولی کلی‌اش را عرض می‌کنم و گفتند: رادیوهای خارجی که در طول برنامه اول تولیدات غیر نفتی مادر از قبیل فرش، قالی یا پسته و امثال این‌ها در کشور ما به چهار برابر رسیده که برایشان آمار بسیار بالا بود. من از رادیوهای بیگانه دارم این را عرض می‌کنم؛ یعنی آن‌ها که با دشمن هم هستند، اعتراف کردند که این یک پیشرفتی در کشور بوده است. حال این یک نقطه است و در نقاط دیگر هم همین طور است. واقعاً صرفه جویی اساس پیشرفت اقتصادی است، غیر از این که ما از نظردینی مأمور هستیم و باید از اسراف و تبذیر و گناهان بزرگ دین پرهیز کنیم، در مصرف انرژی چند خطبه آخر سال عرض کردم که چه آمار و ارقامی وجود دارد که ما از نظر مصرف انرژی و مواد سوختی واقعاً کشور بسیار پرمصرف و اسرافکاری هستیم.

#### صرفه جویی در آب

 در بخش‌های دیگر هم گاهی این‌طور چیزهایی مشاهده می‌شود و در خود قضیه آب همین‌طور است؛ مخصوصاً در این مناطق که من چند هفته است که روز آب، روز جهانی آب بود همان اوایل فروردین می‌خواستم در مورد آب چندجمله‌ای عرض کنم که حالا اشاره می‌کنم. واقعاً آب، اساس و حیات بشر است و آن‌هم در مثل استان یزد و مناطقی مثل مناطق ما که باید در مصرف آب نهایت صرفه‌جویی بشود؛ چه در بخش‌های کشاورزی؛ چه در بخش آشامیدن. خوب می‌دانید با چه هزینه‌های سنگینی آب دارد انتقال پیدا می‌کند که برآوردی که می‌کنند این است که اگر بخواهد آن آب به اینجا برسد، هر مترمکعبی حدود هفتاد تومان برای دولت درمی‌آید و خود آب همین‌جا این‌طور است. سفره‌های زیرزمینی ظاهراً سالی شصت مترمکعب همین‌طور فروکش می‌کند و سطح آب پایین می‌رود؛ البته آن‌هایی که در اداره کشاورزی هستند و آن‌هایی که در بخش‌های آب‌کار می‌کنند، سازمان آب که در آب آشامیدنی کار می‌کند که من از همه آن‌ها هم تشکر می‌کنم و کار هم می‌کنند و شهر میبد وضع خوبی هم دارد. در دسترس من نیست که آمار و ارقامش را عرض بکنم که تعداد سهام و... چه قدر است البته مشکلات اقتصادی وجود دارد و آن چیزی را که من حالا در آستانه تابستان هم هست باید عرض کنم این است که این رعایت صرفه‌جویی مخصوصاً در این مناطق؛ چه در کشاورزی و چه در قضیه آب نکته‌ای است که واقعاً باید موردتوجه قرار بگیرد و با رعایت فنون و حساب‌کتاب‌های درست باید از این آب کمیاب و ارزشمند حراست کرد که ان‌شاءالله ما بتوانیم در طول سال و همیشه خودمان را به اسراف نکردن و رعایت اعتدال در هزینه‌های فردی، اجتماعی، شخصی و دولتی ان‌شاءالله عادت بکنیم و خودمان را عادت بدهیم به این اعتدال و همین‌طور در مصارفی مثل آب که حساسیت بیشتری هم دارد. این هم نکته دیگری بود که می‌خواستم عرض کنم ان‌شاءالله که خداوند به همه ما توفیق معرفت خودش و محبت و ذکر خودش را عنایت بفرماید.

## فعالیت جدی رییس جمهور در کشور

 نکته دیگری هم که من فراموش کردم عرض بکنم و لازم است عرض بکنم این است که ببینید من این را صریح بگویم که قیمت بنزین و گازوئیل در کشور گران شده و روی اصول و فرمول‌های اقتصادی هم بوده و واقعاً هم یک زمانی آقای هاشمی اشاره کردند که یک کسی و کسانی قوی باید در این کشور پیدا بشوند که خودشان را فدا کنند تا پایه اقتصاد صحیح ریخته شود و حالا آقای هاشمی مردانه آمده در میدان. من نمی‌گویم اشکالی در کارها و برنامه‌ریزی‌های دولت نیست؛ ولی واقعاً شجاعانه و مردانه آمده همه این سختی‌ها، شایعه‌ها، حرف‌های پوچ و مزخرفی که گاهی هم شایعه می‌شود و متأسفانه افراد ساده‌ای هم گاهی آن‌ها را باور می‌کنند یا منتقل می‌کنند، بالاخره یک مردی آمده با آن سوابق، خیلی می‌توانست عزیز زندگی بکند و این حرف‌ها را نداشته باشد، آدم کنار گود بنشیند که مشکلی نیست. مرد آن است که بیاید در متن گود و مشکلات و کار بکند و ایشان دارد کار می‌کند. حالا اشکال هم ممکن است یک جایی باشد؛ ولی به‌هرحال روند اصلی کشور واقعاً آمار و ارقام و کارهای اساسی کشور چیز عجیبی است. من گاهی پیش خودم فکر می‌کنم هر کس بعد از ایشان رئیس‌جمهور بشود خیلی شانس خوبی دارد ایشان در طول هشت سال آن‌همه رنج‌کشیده و پایه این‌کار‌های عظیم را ریخته، هر که بعد بیاید مرتب برای سدّ و نمی‌دانم راه و ... افتتاح بکند و ایشان خودش هم گفتند: من برای خودم نمی‌کنم و سرباز اسلام هستم و ما هم تا وقتی‌که مقام رهبری تأیید بکند، دنبال مقام معظم رهبری هستیم و محور نظام ما ولایت است و ما پای ولایت و رهبری باید آماده‌باشیم که خون خودمان را بدهیم. این اساس کار کشور ما و اساس دین ماست و ملت ما هم این‌طور هستند. من مطمئنم که همین امروز اگر اسلام نیاز به جوان‌های رشید، مجاهد و فداکار داشته باشد از همین جوامع ما و جامعه ما افراد بسیار بزرگی برمی‌خیزند و از اسلام دفاع می‌کنند.

## مسئله گرانی قیمت بنزین و گازوئیل

 بحمدالله این ملت پایه و اساس خوبی دارد ان‌شاءالله بازهم آن را تقویت خواهد کرد. این را می‌خواستم عرض بکنم که روی یک اصول و برنامه‌هایی چاره‌ای نیست که ما مصرفمان را این قیمت‌ها تعدیل کند، در حدی که بیش از این‌ها هم قیمت برای دولت تمام می‌شود. قیمت افزایش پیداکرده؛ ولی این کارها هم شده. حال آن جهت دفاعش هم را که کنار بگذاریم، این کارشده؛ ولی یک اشکالی که در کار ماست این است. بابا حساب دارد کتاب دارد، افزایش بنزین یا گازوئیل در کرایه‌ها و اجناس یک‌درصدی دارد نه این‌که معنایش این باشد که همه قیمت‌ها وقتی‌که این دو برابر شد، دو برابر بشود. در حد پنج درصد، ده درصد حد تورمی که حدود سی درصد باشد، در این حد یک افزایش در کرایه‌ها و نقل‌وانتقال و خیلی از اجناس و کالاها معقول است؛ اما این‌که به‌مجرد این‌که بنزین دو برابر بشود، هر تاکسی و اتوبوسی دو برابر بگیرد و بگویند: همه این‌ها شد دو برابر و بعد چند برابر این واقعاً بی‌انصافی است که دست خود مردم هم هست. حال من نمی‌دانم که تا چه مقدار آن‌ها بتوانند این‌ها را کنترل کنند و برنامه‌ها در چه حدی بتواند موفق بشود؛ ولی این واقعاً به انصاف خود مردم است و نباید این فراموش بشود. امیدواریم که خدا هم توفیق صرفه‌جویی و هم انصاف را به ما عنایت بفرماید.

## دعا

  **«نسئلک اللهم وندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعز الاجلّ الاکرم یا الله، اللهم انصرالاسلام واهله واخذل الکفر واهله»**

خدایا! مشکلات جهان اسلام و مشکلات این امت را مرتفع بفرما، خدایا! مریض‌ها را و مریضان موردنظر را شفا عنایت بفرما، خدایا! به ما توفیق بندگی خالصانه خودت را عنایت بفرما، خداوندا! ارواح مؤمنین و مؤمنات ارواح شهدای بزرگ اسلام روح مطهر امام و یادگار گرامی‌شان را با اولیای خودت محشور بفرما، خدمتگزاران به اسلام به‌ویژه مقام معظم رهبری انقلاب را در پناه خودت محافظت بفرما، خداوندا! در این روز جمعه و در میعادگاه نماز سلام‌های خالصانه و تحیات زاکیه ما را به محضر حضرت بقیه‌الله الاعظم ابلاغ بفرما، در فرج آن حضرت تعجیل بفرما، خدایا! رحمت و برکاتت را و باران رحمتت را بر این امت نازل بفرما، خدایا! به ما توفیق بندگی خالصانه خودت را کرامت بفرما.

**«بسم الله الرحمن الرحیم قل هوالله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد»[[22]](#footnote-22)**

1. . الرعد : 28 [↑](#footnote-ref-1)
2. . العنكبوت : 45 [↑](#footnote-ref-2)
3. . مصباح الشريعة، ص: 55 [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان [↑](#footnote-ref-4)
5. . مصباح الشريعة، ص: 55 [↑](#footnote-ref-5)
6. . مصباح الشريعة، ص: 55 [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان [↑](#footnote-ref-8)
9. . مصباح الشريعة، ص: 55 [↑](#footnote-ref-9)
10. . مصباح الشريعة، ص: 56 [↑](#footnote-ref-10)
11. . الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏2، ص: 498 [↑](#footnote-ref-11)
12. . همان [↑](#footnote-ref-12)
13. . الأحزاب : 42 [↑](#footnote-ref-13)
14. . وسائل الشيعة، ج‏7، ص: 154 [↑](#footnote-ref-14)
15. . وسائل الشيعة، ج‏7، ص: 155 [↑](#footnote-ref-15)
16. . همان [↑](#footnote-ref-16)
17. . همان [↑](#footnote-ref-17)
18. . الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏2، ص: 499 [↑](#footnote-ref-18)
19. . الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏2، ص: 499 [↑](#footnote-ref-19)
20. . همان [↑](#footnote-ref-20)
21. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-21)
22. . قرآن کریم، سوره توحید [↑](#footnote-ref-22)